

## گزارشی از مطالعات شیعی در آثار خاورشناسان

شهریار شجاعی پور\*

بحثم را در چهار محور عرض می‌کنم: یکی مربوط به مقدمه است. دوم مروری آماری بر مقالات دریافت شده داریم. سوم بحث آسیب‌شناسی مقالات خاورشناسان است و در آخر هم بحث راه‌کارها را عرض خواهم کرد. از آن جایی که با ستاد همایش و در شورای علمی همایش هم‌کاری داشتیم؛ با جناب آقای دکتر بارانی پی‌گیری کردم تا از شرق‌شناسان در کشورهای مختلف مقاله دریافت کنیم. انجمن پی‌گیری‌های زیادی انجام داد و در همایش اول حدود ۱۶۰ مقاله از بانک‌های معتبر اینترنتی و دانشگاه‌های معتبر دنیا خریداری شد، چون به طور رایگان در دسترس نیست. در همایش اول، عناوین این مقالات به نمایش گذاشته شد. با پی‌گیری‌های مجدد، حدود چهارصد مقاله دریافت کردیم که با کار روی مقالات، حدود سیصد مقاله خوب و مفید استخراج شد که منبع بسیار ارزش‌مندی برای استفاده استادان محترم به‌شمار می‌آید. علاقه‌مند بودم مقاله‌ای برای همایش بنویسم، اما این قدر موضوع این مقالات جالب بود که خودش حکم یک مقاله را داشت. این گزارش، مؤید این مطلب خواهد بود. مقالات به چهار زبان انگلیسی، فرانسه، آلمانی اسپانیایی بودند و گستره جغرافیایی مقالات از قاره آمریکا، بیشتر از دانشگاه‌های آمریکا و کانادا، از قاره

---

\* دانش‌جوی دکتری حقوق دانشگاه امریکن.

اروپا دانشگاه‌های معتبر آلمان، فرانسه و انگلستان و از قاره آسیا و اقیانوسیه هم دانشگاه‌های معتبر ترکیه، فلسطین اشغالی، اردن، هند، ایران و استرالیا و از قاره آفریقا هم مقالاتی از مصر و مغرب بودند. دانشگاه‌های معتبر امریکایی عبارتند از: دانشگاه نیویورک، میشیگان، کریستون، کالیفرنیا، کارولینای شمالی و جنوبی، کنکوردیا، ویرجینیا، سانتاکلارا امریکن، کاتولیک جورج تاون، جورج واشنگتون، تورنتو و مک گیل. دانشگاه‌های معتبر اروپا هم عبارتند از آکسفورد، سوربن، ادینبورگ و دانشگاه‌های معتبر آلمان. در حوزه آسیا و اقیانوسیه هم دانشگاه‌های ترکیه فعال هستند. از فلسطین اشغالی، دانشگاه‌های هبرو، اورشلیم، حیفا و تل‌آویو به شدت در حوزه شیعه‌شناسی فعالیت می‌کنند. نویسندگان این مقالات عمدتاً شرق‌شناس هستند. نویسندگان عرب‌تبار هم وجود دارند.

از ایران نیز افرادی مثل احمد کاظمی موسوی، موجان مومن، سعید امیر ارجمند، محمدعلی امیرمعزی، کامران آقایی، ولی نصر، سید حسن نصر و مدرسی طباطبایی را می‌توان نام برد. دوره زمانی این مقالات از دهه پنجاه یا شصت میلادی تا سال ۲۰۰۸ است. موضوع مقالات نشان می‌دهد که در چه حوزه‌های گسترده‌ای نگارش شده است، مانند موضوع تاریخ‌نگاری و عاشورا شناسی، البته مقالات معمولاً رویکرد تاریخی دارند، اما در حوزه‌های مختلف به طور ترکیبی نوشته شده‌اند، مثل مباحث تاریخی و فقهی. موضوعات مقالات عبارتند از: تاریخ‌نگاری، عاشورا شناسی، مباحث مربوط به قیام امام حسین علیه السلام، حدیث، مباحث ادبیات و تاریخ، تاریخ سیاسی، مباحث تقریبی، اسلام و اروپا در غرب، تاریخ تشیع در کشورهای مختلف غیر از ایران به‌ویژه در عربستان و در کشورهای حوزه خلیج فارس که جماعات شیعی وجود دارند، اسلام و مسیحیت، موعودگرایی و امام زمان که به شدت در سال‌های اخیر به آن توجه شده مباحث مربوط به علم کلام و مباحث اعتقادی، مباحث مربوط به امامیه و اثنا عشریه در چند مقاله، جامعه‌شناسی تاریخی و تاریخ از دیدگاه جامعه‌شناسی در مقالات متعدد، تاریخ ایران، افراط‌گرایی اسلامی، حوزه تشیع و تشیع در آسیای میانه، شیعه و یهود و ادیان دیگر شیعه و یهود و شیعه و مسیحیت. مباحث تاریخی در واقع رویکرد فقهی - حقوقی دارد، مقالات

متعددی در زمینه تاریخ معاصر سیاسی جهان اسلام و تاریخ معاصر سیاسی ایران، بحث فلسفه تاریخ و غلات است. سفرنامه‌ها را نیز چند مقاله را شامل می‌شود. مقالات زیادی در مورد سیاست و حکومت است. در حوزه مطالعات قرآنی، مقالات زیادی از غربی‌ها وجود دارد. در حوزه مباحث مربوط به زنان در تاریخ تشیع هم مقالاتی دیده می‌شود. مقالاتی هم به نقد کتاب و معرفی مقاله دیگر می‌پرداخت. مقالاتی در زمینه مکاتب فقهی و دوران تاریخی در حوزه نجف، کربلا و ایران بود. مقالات بسیار جالبی در مورد مراقد ائمه شیعه وجود داشت.

در زمینه آسیب‌شناسی مقالات نیز تقریباً نگاهی محتوایی به مقالات کردم. در سفر اخیری که در تابستان با جمعی از استادان حوزه و دانشگاه به امریکا داشتیم، با شیعه‌شناسانی مانند اسپوزیتو و دکتر نصر صحبت‌هایی کردیم. در اکثر مقالات، این وجه اشتراک دیده می‌شود که در متودولوژی تحقیق، در واقع رویکرد غربی‌ها بیشتر از جزء به کل است. چون اکثر علوم انسانی در غرب، به علوم ملحق می‌شود و بعضی از رشته‌های نظری علوم انسانی هم در امان نمانده‌اند، نوعی رویکرد تجربی در این مقالات دیده می‌شود. در گذشته، مقالاتی از مراکز مختلف قم برای مجلات خارجی می‌فرستادیم که مجلات آی، اس، آی ایراد می‌گرفتند که جنبه تجربی مقالات شما رعایت نشده، با این که مقالات در حوزه‌های علوم انسانی بود. این رویکرد به شدت در مقالات دیده می‌شود. رویکرد تجربی در حوزه شیعه‌شناسی، طبعاً این آسیب‌ها را به مطالعات وارد می‌کند. خیلی از اشکالات دیدگاهی در این مقالات وجود دارد. نکته دوم این که چون دسترسی به منابع اصیل شیعه بسیار کم است، اکثر تحلیل‌هایی که بر مبنای منابع در دست آنها انجام شده، دقیق نیست و در مباحث قبل هم گفته شد که یک نوع شیعه‌شناسی سیاسی و رسانه‌ای و یک نوع شیعه‌شناسی علمی است که در دوره‌های گذشته، دیدگاه استعماری بر آن حاکم بود. حتی کاملاً مشخص است که نویسندگان مقالات، چون در سبک متودولوژی و روش تحقیق اختلاف دارند و آشنایی جامع با مباحث اسلامی ندارند، یک مبحث جزئی را گرفته‌اند و چند سال روی آن کار کرده‌اند. به همین

دلیل هنگام قضاوت، چون به مباحث شیعه‌شناسی، اعتقادات شیعه و وجوه مختلف شیعه دید جامعی ندارند تحلیل‌هایشان دقیق نیست؛ یعنی همان سبکی که در دانشگاه غربی وجود دارد، در این تحلیل‌ها و استنتاجات هم دیده می‌شود. ارجاع به منابع نیز بیشتر بر اساس منابع اهل سنت و کتاب هاینس هالم است که بیشتر به منابع اهل سنت استناد می‌کند. برای مثال، در بحث صلح امام حسن، دیدگاه‌های اهل سنت را مطرح می‌سازد و به دیدگاه‌های تشیع هیچ اشاره‌ای نمی‌کند.

در زمینه بحث راه‌کارها، چه کار کنیم که بتوانیم حضور و تأثیر بیشتری بر حوزه آکادمیک داشته باشیم؟ در جلساتی که در امریکا با بعضی از استادان شیعه‌شناس داشتیم، آنها گفتند که در قم، تحولات زیادی رخ داده و مراکز مختلفی وجود دارد ولی چرا هیچ اثر و نمودی از این کارها دیده نمی‌شود. دکتر نصر هم به این مورد اشاره کرد. حضور آکادمیک استادان حوزه و دانشگاه در میدان مطالعات شیعه‌شناسی می‌تواند بسیار مؤثر باشد. برای نمونه، خودم در یکی از مراکز علمی امریکا در مورد دیدگاه‌های فقهی شیعه راجع به جنگ و صلح بحث کردم. خیلی از استادان اسلام‌شناسی، نمی‌دانستند در فرهنگ فقه شیعه، جهاد ابتدایی به اجماع اکثر فقها، در زمان غیبت امام معصوم حرمت دارد. یکی از آنها گفت که اگر ما می‌دانستیم اعتقاد شیعه این طور است، رفتارهای حزب‌الله را خیلی بهتر از این تحلیل و تفسیر می‌کردیم؛ چون در آلمان، بر اساس دیدگاه‌های اهل سنت به این قضیه نگاه می‌کردند. در حوزه نشر، متأسفانه بسیار ضعیف هستیم. همه ما دیواری درست کرده‌ایم و دور خودمان چیده‌ایم و مدام ارتفاع آن را بالا می‌بریم و آثار ما در خارج از کشور، نشر و گسترش نمی‌یابد. متأسفانه بیشتر آثار به زبان فارسی است و برای هم‌دیگر تعارف می‌کنیم با وجود عطش زیاد آنها برای دسترسی به این منابع، این کار امکان‌پذیر نیست. استادان ایرانی که در حوزه شیعه‌شناسی در خارج از کشور کار می‌کنند نیز متأسفانه ضد شیعه هستند و این هم معزلی است. و بنابراین، باید در آینده، حضور بهتر و قوی‌تری در عرصه‌های علمی و آکادمیک دنیا و در حوزه نشر معارف تشیع داشته باشیم.